

کریم از اهل بیتش در ایشی اعلی  
شده صد کوشش عارف و عابدی  
لیس کلای فی بنعت محمد  
صبح هر بنامت از جبین محمد  
کشش لشخای ماریت موبدا  
از پرواز پیش هر چه بوده و بگذرد  
طوق ز کوه نسران جسمانست  
نغمه هم کاینات آمده قاصد  
تخت نشانیان تاج بخش کشیده  
غیر خدایا افزین کسی نشانست  
لیس کلای فی بنعت کمال  
هر که در روی آورده براه محمد  
یست بر روز از و کونان که بظاه  
داد ز تکیل مست مین مدوش حق  
کر که حسن افتاب شکست

نیست علو و رعلو نشان محمد  
بر کفر از لعل در نفسان محمد  
صلی الله علی النبی و آل  
عزت دنیا گرفت دین محمد  
ستریدانه از کسین محمد  
دیده عیاش چشم تیز بین محمد  
حلقه کسور و عنبرین محمد  
از من کور نمیش محمد  
باج که ایان ره نشین محمد  
در دو چرخها حد افزین محمد  
صلی الله علی النبی و آل  
کی بودش راه در پناه محمد  
خاک مدین است تکیه گاه محمد  
ضعف چه شد لاحق بنام محمد  
شعشع طلعت چرخه

چون که در عتبه زبان کشاده بود  
بالکه هم چیر که چشم شفاهت  
خوش شرو و شرف تمام بشر را  
لیس کلای فی بنعت کمال  
مطلع صبح صفات روی محمد  
سلامه کاینات را کسبی نیست  
باد صبا ای رسول یشرب بطحا  
بهر زخم از خون دل در دروه روان  
پیشتر رده ید بر دست کرم کن  
مرهم راحت جراحت دیگرانرا  
دولت جای بسین که میگذرانند

برده حجرتا شجر کواه محمد  
باشدم از عنف کوه گاه محمد  
نیمش در بس ز برق آه محمد  
صلی الله علی النبی و آل  
منیع احسان اولطف خود محمد  
بر زشکن زلف مشکبوی محمد  
خیز و قدم زنجست ز جوی محمد  
تخدرش این در روز سوخت محمد  
کل جلای ز خاک کوی محمد  
بشام و داغ از روی محمد  
عمر کرای بگفت و کوی محمد

لیس کلای فی بنعت کمال  
صلی الله علی النبی و آل  
سلام علی آل طاهرا و یاسین  
سلام علی روضه حل فیها  
سلام علی الخیر النبیین  
اما میبایم به الملك والذین